

باسمه تعالی

۱ **تعریف مختصر سیره عقلاء**

۱ **تفاوت نظر مشهور و نظر مختار در تعریف سیره عقلاء**

۲ **الف. تفاوت در تفسیر «سیره»**

موضوع: حجج و امارات / سیره / مقام اول / جهت اول**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته بحث از سیره شروع شد. گفته شد در سه بخش اصلی سیره عقلاء، سیره متشرعه، و عرف بحث خواهد شد. در بحث سیره عقلاء در جهاتی بحث می‌شود که اولین آنها تعریف سیره عقلاست. تعریفی از سیره عقلاء ارائه شد، که در این جلسه دو تعریف مختصرتر ارائه می‌شود.

تعریف مختصر سیره عقلاء

گفته شد سیره عقلاء همان سلوک اجتماعی مشترک بین تمام افراد عاقل است. پس سیره عقلاء نامی برای سیره عملی بوده و ارتباطی به اعتقاد و تصور و تصدیق و ایمان و یا شیء و جوهر ندارد.

عنوان «عقلاء» نزد علمای اصول جمع عاقل به معنی کسی است که از قوه عاقله برخوردار می‌باشد. همانطور که گفته شد مراد عقل عملی در اصطلاح حکماست که انسان را دارای قوه درآکه عاقله دانسته و عقل را تقسیم به نظری و عملی می‌کنند. عقل عملی مصالح و مفاسد (مرتبط با شخص یا خانواده یا اجتماع) را تشخیص می‌دهد. بنابراین در این عبارت علمای اصولیون، ابهامی وجود دارد که تفکیک بین عقل نظری و عقل عملی نشده؛ و نیز تفکیکی بین تدبیر عقل عملی نسبت به جامعه از تدبیرش نسبت به بدن و خانواده نیز نشده است. به هر حال مراد علماء اصول همین است.

تعریف جلسه گذشته را می‌توان به صورت خلاصه بیان نمود «السلوک الاجتماعي المشترك بين الناس التابعين لعقولهم».

عنوان «التابعين لعقولهم» برای خروج سیره عرفیه است.^۱ پس می‌شود تعریف مختصرتری ارائه نمود «السلوک الاجتماعي المشترك بين العقلاء» که مراد از «عقلاء» مردم تابع عقل عملی آن هم به لحاظ تدبیر اجتماع است.

تفاوت نظر مشهور و نظر مختار در تعریف سیره عقلاء

۱. سیره عرفیه همان سیره مردم «بما هم هم» می‌باشد؛ اما سیره عقلاء همان سیره مردم «بما هم تابعون للعقل» می‌باشد.

تعریف فوق به عنوان تعریفی مناسب برای سیره عقلاء می‌باشد، و در معنای سیره عقلاء اختلافی با مشهور وجود ندارد (پس سیره در نظر مختار دارای معنای دیگری نیست). نظر مختار تنها در دو نکته با نظر مشهور تفاوت دارد:

الف. تفاوت در تفسیر «سیره»

«سیره» در نظر مشهور همان سلوک اجتماعی عقلاست، اما در نظر مختار همان سلوک اجتماعی مؤید از ناحیه عقلاست (هرچند اصلاً چنین سلوکی نداشته باشند). این تفاوت موجب اختلاف معنی نیست بلکه اختلاف در تفسیر از آن عنوان است. به عنوان مثال «انسان» اسمی برای «حیوان ناطق» می‌باشد که زید در تعریف انسان می‌گوید «اشرف مخلوقات»، اما عمرو می‌گوید «ارذل مخلوقات». در این صورت زید و عمرو در معنی انسان اختلاف ندارند (یعنی هریک معنایی غیر از دیگری برای انسان قائل نیستند)، بلکه در تفسیر این معنی اختلاف دارند (یعنی در فهم معنی اختلاف دارند؛ زیرا لفظ انسان برای طبیعی جامع بین افراد است. به عنوان شاهد هر دو استعمال واحدی دارند و اختلافی در استعمال نیست و هر دو انسان را صادق بر زید دانسته و صادق بر این کوه نمی‌دانند). در این بحث نیز در استعمال سیره عقلاء اختلافی با مشهور وجود ندارد، پس معنای سیره در نظر مختار و نظر مشهور واحد است.^۱

بنابراین برای تحقق سیره فقط تأیید عقلاء کافی است؛ زیرا در سالهای قبل جوامع مشترک بشری نبوده و جوامع متعدّد بشری وجود داشته است (نه جامعه واحد). به عنوان مثال دو هزار سال قبل جوامع پراکنده‌ای از انسان‌ها وجود داشته که با توجه به شرائط محیطی متفاوت سلوک اجتماعی متناسب با آن شرائط برایشان پیدا شده است.^۲ بعضی قبائل وجود داشته‌اند که چند هزار سال با فرد خارج از خودشان ملاقات نداشته‌اند. به هر حال عمدتاً پدیده‌های جغرافیایی و محیطی در سلوک مردم تأثیر دارد (حتی در «زبان» نیز شرائط جغرافیایی اثر دارد، به عنوان مثال در هوای گرم عمدتاً برای تکلم دهان زیاد باز می‌شود بر خلاف مناطق سرد). بنابراین یک سیره واحد بین تمام عقلاء در تمام امکان و تمام ازمنه وجود ندارد.

اگر سلوک اجتماعی در یک جامعه باشد و سائر عقلاء در محدوده آن عرف این سلوک را بپذیرند، سیره عقلاء تحقق یافته است. به عنوان مثال در یک جامعه ازدواج با محارم جایز بوده و عقلاء نیز در محدوده آن جامعه آن را صحیح می‌دانند یعنی با آن زن ازدواج نمی‌کنند. در این صورت ازدواج آنها با محارم داخل در سیره عقلاست. البته دقت شود سیره عقلاء بر ازدواج با

۱. البته ممکن است در تطبیق اشتباه و اختلاف شود، نظیر اینکه زید و عمرو یک شبه از دو ببینند و زید بگوید انسان است اما عمرو بگوید انسان نیست؛ این فقط اختلاف در تطبیق است نه اختلاف در معنی و یا اختلاف در تفسیر.

۲. در مورد «زبان» نیز شخص یا اشخاصی آن را وضع نکرده‌اند، لذا گاهی بین دو زبان اصلاً اشتراکی وجود ندارد. زبان یک پدیده اجتماعی است که در طول سالیان متممادی به وجود آمده است. برخی زبان‌ها بسیار پیچیده‌اند مانند زبان عربی، و برخی کمتر پیچیدگی دارند (به اعتقاد ما اگر چندین انسان بزرگ هم کنار هم باشند قادر نیستند حتی ساده‌ترین زبان‌ها را ایجاد کنند). تعداد زبان‌های موجود دو یا سه هزار است که بسیاری مشترک هستند و زبان‌های اصلی پنج یا شش تا است؛ اما زبان‌های از بین رفته بسیار بیشتر از این مقدار بوده است.

محارم نیست، بلکه سیره بر صحت این ازدواج (اعتبار زوجیت برای آن زن) است؛ زیرا این سلوک بین یک جامعه است که از ناحیه عقلاء تأیید شده است.

پس در مواردی اختلاف با مشهور وجود دارد، به عنوان مثال در بیع خمر یک مسلمان به مسلمان، مشهور گفته‌اند این معامله نزد عقلاء صحیح و نزد شارع باطل است؛ اما در نظر مختار این معامله (با این پیش فرض که بیع خمر بین مسلمین باطل است) نزد عقلاء نیز باطل است. این اختلاف با مشهور در معنی نیست بلکه فقط اختلاف در مصداق است نظیر اختلاف در شبهی که از دور دیده شده است. یعنی سائر اعراف غیر مسلمان نیز چنین بیعی را صحیح نمی‌دانند. نظیر اینکه فرض شود در یک عرف خاص تمام اموال میت به زوجه وی می‌رسد، در این صورت سائر عقلاء آن اموال را بعد از موت زید با زوجه وی معامله می‌کنند. این سیره نیست که در تمام جوامع پس از مرگ شوهر، اعتبار ملکیت برای زوجه شود؛ اما در این جامعه اعتبار ملکیت شده است و از سوی تمام عقلاء تأیید شده (لذا سیره تمام عقلاء بر اعتبار ملکیت برای این زن در این جامعه است). مثال دیگر اینکه اگر مسلمانی با محرم خودش ازدواج نماید، در نظر مشهور این نکاح نزد مسلمین باطل و نزد مجوس مثلاً صحیح است؛ در حالیکه در نظر مختار نزد مجوس هم باطل است. این موارد فقط اختلاف در تطبیق است.